

دورة هفتم تقنيه

مذاکرات مجلس

جلسه

۳۶

شماره

۳۶

تاریخ تأسیس آذربایجان

۱۳۰۵

جلسه سه شنبه

۱۳۰۷ اسفند ماه

مطابق ۷ شوال المکرم

۱۳۴۷

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود

مطبوعة مجلس

قيمة اشتراك

داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه دوازده تومان

قيمة تک شماره

یک فران

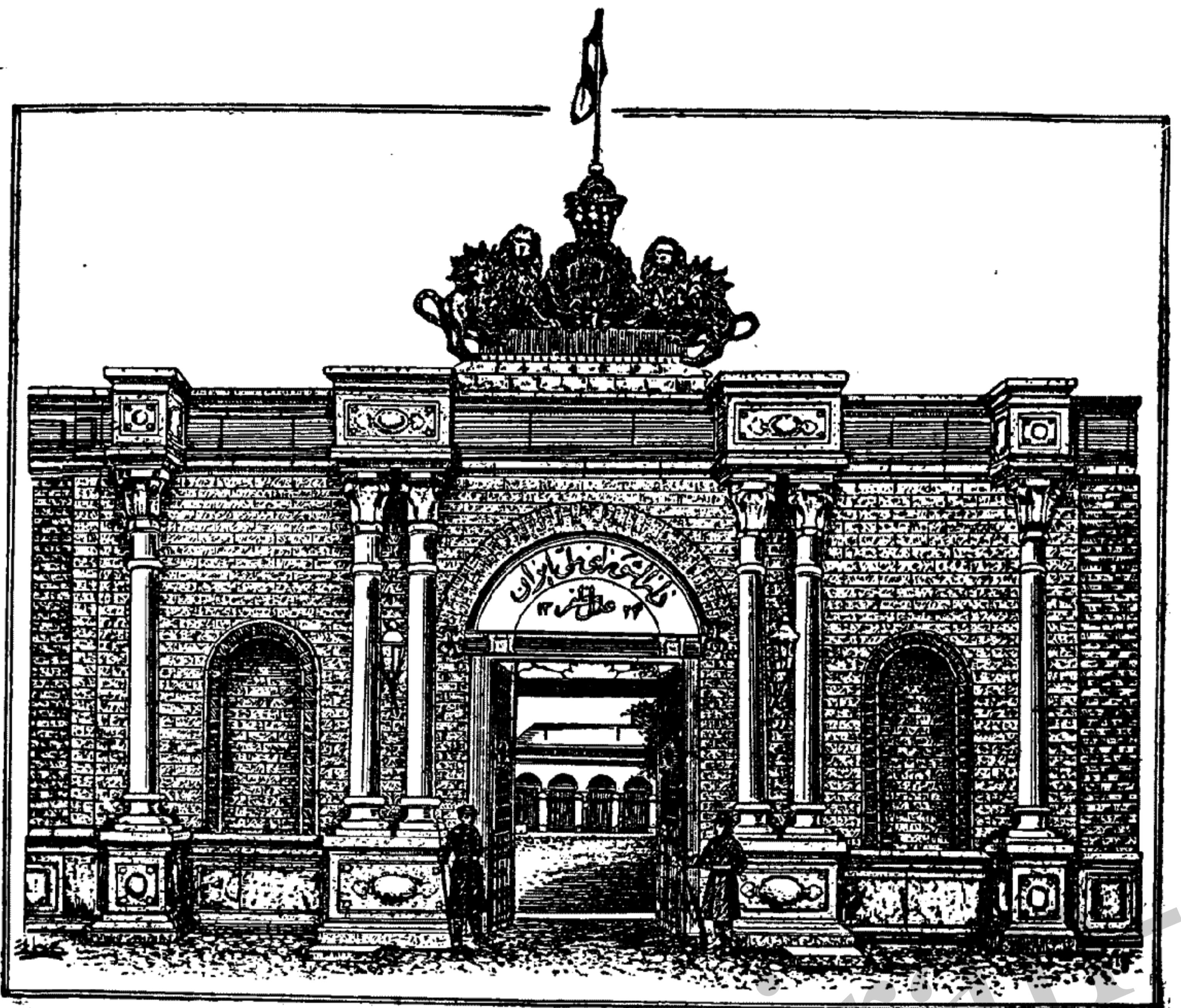
فهرست مندرجات

۱۵

۱

عنوان

از صفحه	الى صفحه	عنوان
۶۱۲	۵۹۶	مذاکرات در اطراف خبر کمپیون قوانین مالیه راجع مختصات دخانیات



ذکر از مجلس دوره هفتم تقاضی

صورت مشروح مجلس بوم شنبه ۲۸ آسفند ماه ۱۳۰۷ مطابق ۷ شوال المکرم ۱۳۴۷

جلسه ۳۶

غایین جلسه (۳۴)
غایین نا اجازه

(مجلس بکایات و نیم قبل از ظهر بریاست آقای
دادگر تشکیل گردید)

(صورت مجلس بوم دوشنبه بیست و هفتم آسفند
آفایان : شهرانی - حبدری - رهبری - آشتیانی
کیانوی - ارباب کیخرد شاهرخ - تیمور فاتح - محمد
۳۰۷ و آقای اورنک فرائت نمودند)

آخوند - همراز
غائبنی اجازه

آقابان : میرزا حسنخان و نوق - الفت - موقر - حاج

رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - محمد تقی خان اسعد -

آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی

مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقای نجومی

دیر آمدگان با اجازه

آقابان : شربعت زاده - قوام

غائبنی جلسه (۳۵)

غائبنی با اجازه

آقابان : شهیرانی - حیدری - آشنازی - گنجعه -

اویاپ کیخرسرو شاهرخ - تیمور ناش - محمد آخوند - همراز

غائبنی با اجازه

آقابان : میرزا حسن خان و نوق - کیا نوری - الفت

موقر - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - محمد تقی خان

اسعد - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ

علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه

آقابان : زوار - بیات

دیر آمدگان با اجازه

آقابان : نجومی - شربعت زاده - دکتر امیر اعلم - قوام

رؤیس - برای اینکه رای بکیریم بصحت صورت

مجلس عده بقدر کافی نیست لذا این را مؤخر میداریم

ضیاء - بنده راجع بصورت مجلس عرض دارم

رؤیس - بعد بشناخته میدهم

رؤیس - آقای دبیا

طباطبائی دبیا - چون مطابق نظامنامه مجلس

کمیسیونهای مجلس باید هر دو ماه رایپورت اقدامات

خود را تقدیم مجلس کنند این است که بنده رایپورت

چهار ماهه کمیسیون عدیمه را تقدیم میکنم و از مقام

از این ترتیبات تضمین شد و بعد بخارجه جل شد در موقعی

جمعی از نایندگان - مذاکرات کافی است
رؤیس - ماده هفتم قرائت میشود چون عده کافی نیست
عیقاویم باده شش رای بکیریم

(ماده هفت بضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - صاحبان توتون سیکار و انواع کاغذ میکار
های موجود در تاریخ تصویب این قانون مکلفند صورت
موجودی خود را اظهار نمایند تا بقیمت عادله از آنها
خریداری شود - با اخذ حقوق احصار مذکور در ماده ۲
جواز تجارت آزاد آن داده شود ، در صورتیکه توتون
سیکار موجود در تاریخ تصویب این قانون مالیات معمول
قبل از اجرای این قانون را تأثیر نموده باشد فقط
ما به التفاوت مالیات پرداخته شده و حقوق احصار دریافت
خواهد شد .

تبصره - کلیه سیکارهای پیچیده و نایدست من
توتون سیکار بریده حاضر برای مصرف از نایدیه
ما به التفاوت مالیات معمول سابق و حقوق احصار معارف
خواهد بود

رؤیس - آقای سalar لشکر

سalar لشکر - موافق

رؤیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده مخالف این جا آقای مخبر محترم
را توجه میدهم بیک نکته قانونی مسلم خصوصاً قانونیکه
راجح باخذ بک عوائدی است . مسلماً در هر جائی قانون
را نباید عطف ایامق کرد . بنده دو سال پیش از این

مالیات داده ام و توتون خودم را کندرانده ام و حالا
ابنیجا مانده است در صورتیکه این جنس از عوارض دولتی که
بید بشن تعلق بگیرد گذشته و من کار خود را کرده و اطاعت
از قانون کرده ام و حالا داخل در سن ۳۰۸ هستم و

مال سیصد و شش و سیصد هفت را مطابق قانون مملکتی
برداخته و اطاعت کرده ام و حالا تنبا کو در خانه من
مانده است دیگر نباید متعرض من شوند . مثلاً بک کیسه
تنبا کوی منال از شیراز برای بنده آورد . اند و مالیاتش
را هم آنجا داده اند حالا مامور می آید میگوید این

که بخارجه جمل میکند اگر وجه نقد داده وجه نقدش
را اگر سند با مال اضافه داده سند و با مال اضافه اش
را هر چه داده همان را مسترد میکند .

رؤیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده موافق اجازه میفرمایم؟

رؤیس - بفرمائید
آقا سید یعقوب - عرض کنم ما اینجا یک عوارضی
مطابق ماده دوم به اجناس دخانیه قرار داده ایم ولی
اگر این جنس دخانیه را بخارجه جمل کنند آن عوارض
مسترد میشود . اصل موضوع این است . اگر بخواهیم
این جنس را بخارجه جمل کنیم چون باید نشویق بکنیم
از امتعه خود مان این عوارض را باید ازش برداریم
چطور ؟ باین ترتیب ؟ این جنس دخانیه الان در مملکت
عوارض مقرر را بخواهیم که وجوه اضافه
با ضامن معتبر داده است و قبیله این جنس را از مرحد بهلوی
قصر شیرین خارج کند آن بول با آن وجه اضافه ؟
آن سند و شامن معتبری کداده است بهش بر میگردانند
این دیگر اشکالی ندارد

فیروز آبادی - اشکال عبارتی دارد اینجا مینویسد
(بعد از برداخت عوارض مقرر) بعد دو مرتبه مینویسد
با تضمین آن بوسیله وجه نقد دیگر عبارت . بوسیله وجه
نقد بعد از برداخت عوارض مقرر جاندازد درست دقت
بفرمائید .

مخبر - اگر دقت بفرمایند این دو قسم است . بک
وقت مالیاتی برداخته بدون اینکه ضمانتی داده باشد پس
از اینکه عوارض را برداخت خیال داشت اینجا مصرف
کند ولی نکرد برد برحد و خواست جمل کند بخارج

در آن صورت آن وجهی که داده بشن رد میشود . این
بک صورت که عوارض را وجه نقد داده یک صورت
هم این است که بواسطه گانه که عرض کردم با بوسیله
ضمانت معتبر با مال اضافه تضمین کرده این جنس را
وفقی که برد برحد هر کدام از این ترتیبات را انجام
داده باشد در مرحد دو مرتبه باو مسترد خواهد شد

طبع و توزيع شود و در بک موقع مناسب هم در مجلس
قرائت شود هبتو است

رؤیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض بنده راجع بصورت مجلس ود

رؤیس - فعل آن قضیه مسکوت ماند (خطاب به

آقای دبیا) باز هم فرمایشی دارید

طباطبائی دبیا - خبر

رؤیس - ماده شش قانون احصار دخانیات مطرح است

(بضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - هر کاه جنس دخانیه بعد از برداخت

عوارض مقرر در این قانون با تضمین آن (بوسیله

وجه نقد یا سند با شهادت معتبر با مال اضافه) برای

صدر بخارجه جمل شود پس از ارائه نصدق سدور از

اداره سروطه عوارض ماخوذه با وسائل تضمین مذکور

در فوق مسترد خواهد شد

رؤیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اینجا یک اعتراض عبارتی

دارم که بنده عبارت را نمی فهم اینجا نوشته بعد از

برداخت عوارض مقرر در این قانون با تضمین آن

بوسیله وجه نقد (با تضمین آن بوسیله وجه نقد) بعد

از عبارت برداخت حقوق مقرر اینجا معنی

ندارد که میکنم عبارت (بوسیله وجه نقد) دیگر

زیادی است و عبارت (بعد از برداخت عوارض مقرر)

در این قانون با تضمین آن بواسطه سند با شهادت معتبره

با مال اضافه) باید باشد و عبارت (بوسیله وجه نقد)

مورد ندارد

رؤیس - آقای آقا سید یعقوب

مرتضی قلیخان بیات - (خبر کمیسیون قوانین مالیه)

عرض کنم برداخت این عوارض بسی ترتیب میشود یکی

وجه نقد است یکی سند است یکی شهادت معتبر است با

مال اضافه باید سه ترتیب برداخت این عوارض نامیں

میشود . اینجا نوشته شده برداخت عوارض هر کاه بیکی

چهار ماهه کمیسیون عدیمه را تقدیم میکنم و از مقام

محترم رئاست هم تقاضا میکنم در صورتیکه صلاح باشد

- ۴ -

رئیس - آقای فیروز آبادی

خبر - این قسمی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند

عطاف نهادند مذکور است بعیده بنده در اینجا دو نظر دارم. همیشه

ما مردم دولت باید موافق و مراجعت بکنند. عقیده ام این است که این ماده بکلی حذف شود. در آخر این

ماده است که از جنی که این قانون در مجلس شورای

ملی تصویب میشود مالیات و ما به التفاوت آن را باید

بدهنده در صورتیکه حقیقت خیلی مشکل است و مردم

است و وقتی که بک مالیات وضع میشود اگر تبعیض کنیم

نمای کو باید مالیات بدهد درصورتی که من مطابق قوانین مربوطه مالیات این کیسه نباکورا داده ام و اطاعت از قوانین جاریه کرده ام حالا مابه التفاوت بین مالیات نباکوئی که مالیات آرا داده ام با حقوق اخصاری که حلا بر جنس آنیه قرار میگذاریم بدهم؟! بنده نسبت بین جزوی مخالف ولی اجتناسی که مالیاتش داده نشده است مسلمان مشمول قانون اخصار است و باید عوارض اخصاری را بدهد نسبت به اجتناسی که محصول امسال است و تحت نظر زارع و مالک است البته مشمول قانون اخصار است و بنده ابرادی ندارم اما آن اجتناسی را که مدنی است مالیاتش را داده اند از قبیل نباکو و سایر اجتناسی که ما این عوارض را بر آن قرار داده ایم و قبض مالیه در دستشان است و از عوارض دولتی خارج شده است دیگر حلا مادر مرتب، بیانیم آن را تحت نظر بگیریم بندۀ عقیده ام این است که قانون خیلی در اینجا فهرمانیت دارد و خوست آقایان هم موافق بفرمایند نسبت به اجتناس موجوده که در سنوات گذشته مالیاتشان را داده اند سرف نظر شود ولی نسبت به آن اجتناسی که مالیاتشان را در زحمت بیندازد در این صورت چون جنس این میرید بجهت اینکه تمام داد و ستد نجارت میشود که این قسم را بکلی از عقوبات قیمت دارد میتواند من دو تومن را منی بکم تومن فایده برد و بک تومن بضرر بفروشد و سایر نجارت و کسبه را در زحمت بیندازد در این صورت چون جنس موجود است بنتظیر بندۀ عطف نهادن سبق نیست و از طرف هم دعابت اشخاص بی ضاء است که در این کار میخواهند کسب کنند و نهان میکنند اگر خود آقای آقا سید یعقوب هم توجه بفرمایند متقاعد شوند و پیشنهادشان را مسترد بدارند

رئیس - آقای عدل

عدل - موافق

رئیس - آقای فیروز آبادی

خبر - این قسمی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند

عطاف نهادند مذکور است بعیده بنده در اینجا عطف نهادند

این است که این ماده بکلی حذف شود. در آخر این

ماده است که از جنی که این قانون در مجلس شورای

ملی تصویب میشود مالیات و ما به التفاوت آن را باید

بدهنده در صورتیکه حقیقت خیلی مشکل است و مردم

است و وقتی که بک مالیات وضع میشود اگر تبعیض کنیم

و مالیاتش را میگیرد. و تصور میکنم اگر آقای آقا سید یعقوب هم توجه بفرمایند می یعنی بینندگان این هیچ ظلمی نیست و نایبر این قانون فقط گرانی قیمت توتوون است و آرا هم صرف کنندگان میدهند و البته آن توتوهایی هم که موجود است مابه التفاوت را میدهند و از جیب شان نمیدهند که آقا دلسوزی میگنید که نخیل بر مردم میشود لذا بندۀ عقیده ام این است که مطابق ماده خوب است مابه التفاوت گرفته شود و آقای فیروز آبادی هم موافقت بفرمایند مذکور آنچه مخصوص بیک عده محدود توتوون فروش نشود (چون منظور آقا از سه ماه مهلت این است) بعلاوه در ظرف این سه ماه نه منظور آقا بعمل میابد و نه فرمان این اجتناس را برای اخصار داردوونه توتوهای برا که در دادگاه توتوون فروشها است بصرف فروش خواهد رسید در هر حال این ماده بکی از مواد خوب این قانون است و خوست آقا موافقت بفرمایند

رئیس - آقای ونوق

آقا سید مرتضی ونوق - آقای آقا سید یعقوب بکی فرمایشانی فرمودند که بندۀ خبلی متشرکم از ایشان. عرض کننم از توتوهای سایق مالیات گرفته اند از توتوهای فعلی و موجود هم می خواهند مازاد را بگیرند ولی در موقعی که آقای وزیر مالیه این قانون را آوردند به مجلس شورای ملی در آن چا تصریح شده بود که از تاریخ تقدیم این لایحه عوارض مالیاتی را بگیرند و بعد در نام و لایحه آفایان نجارت که جنس توتوون و نباکو داشتندند که توتوون توقيف کرد. بعد تلکراوی از نجارت آمد البته آقبات نمایندگان هم دارند از آن نلکرات این از قزوین داشتم. بعد رقم در وزارت مالیه باقای وزیر مذاکره کردم بالاخره بک متعدد المائی صادر کردند که سورنی از اجتناس موجوده را از نجارت توتوون بگیرند و رفع توقيف بشود حلا ما بک اشکالی داریم این جا بس از تصویب این قانون آن صورتهایی که سایق از تجریز گرفته اند ورقه اند توقيف کرده اند بعد رفع توقيف شده بک مقدارش را از زمان رفع توقيف نا بحال فروخته اند و حال آنکه

دچار ذمّت خواهند شد و خواست از تاریخ تصویب دو سه ماه مهلت بمردم بدهند که در ظرف این مدت هر کس هر چه دارد بمصرف بر ساند و بعد از آنکه آن احتماس سابق بمصرف رسید راجع بجهیز های بعد بیانند و این قانون را در باره آنها اجرا و اعمال نمایند چون هر چه دولت در این خصوص و در این نوع امور شخصی هم میگفتند یکی سرمایه فوق العاده دارد چند نهی دیگر مایه شان روز روزی است آن کسیکه سرمایه فوق العاده ملکت این است که بندۀ عقیده دارم که این ماده را حذف کنند و سه ماه هم مهلت بدهند که هر کس چیزی دارد بمصرف بر ساند و بعد از این سه ماه هر کس هر چه گیرش آمد از محصول توتوون بعد از سه ماه این قانون را بموقع اجرا بگذارند

رئیس - آقای سالار لشکر عباس میوزا - در این ماده آقای فیروز آبادی که

عقیده شان راجع بر فاهیت حال مردم است و بفرمایند حذف شود بندۀ عرض میکنم بر عکس وجود همین ماده اسباب رفاهیت حال نجارت و مردم خواهد بود اولا در ظرف مدت سه ماه که آفایشندند فرمودند در مدت سه ماه توتوون موجود که در پیش نجارت توتوون فروش بمصرف فرمودند بعد از سه ماه هم مثل حال است. نایماً اگر شما حقیقتاً بخواهید دعابت حال مردم را بفرمایند البته متوجه خواهید بود که اگر نایبری هم در گرانی توتوون داشته باشد آن توتوون فروش از جیب خودش که بخواهد برداخت همان قدر گران خواهد فروخت و بالاخره واقعاً بک ظلمی میشود بعوم مردم و بک رعایت خاصی شده است نسبت بتجارت توتوون فروش و حال آنکه شما نظریان رفاهیت حال عموم است بس این قضیه نظر شما را همراه نمایند میکند نا آن پیشنهادشان را مسترد بدارند

در دست ادارات مالیه صورت توقیف است ولی ناجر نوتوں فروخته سیگار فروش بیچیده و فروخته ده من بیست من . صدم . دویست من . حالا بعد از آنکه این قانون گذشت ادارات مالیه از نجار مطابق آن صورت مطالبه می کنند و این قضیه اسباب زحمت فراهم می کنند و بنده تقاضا می کنم که آفای خبر همانطور که در تبصره خودشان قبول گردند و بیست من را معاف کردند اینجا یک چیزی هم اضافه نمایند که این قبیل نوتوں و سیگارهای که یک مقدارش مصرف شده دیگر مامورین مالیه حق نداشته باشند مالیات مطالبه نمایند

خبر - بنده در این قسم در جواب اظهارات آفای آفای سید یعقوب عرض کردم کویا آفای دهستانی توجه نمیشود گفت تقصیر برای آن کسی است که مالیات را پرداخته و الا همانطور که عرض کردم یک عدد از تجار معتمد بر یک مقدار زیادی نوتوں دارند و این جا اگر بنما باشد از نادیه ما به التفاوت معاف باشند باز نجار و کسبه یک صدمات زیادی میدرسد (صحیح است) و یک عدد ازین میدرونده ما باید طوری یکنیم که مردم تجار کسبه عموم یکی باشند و البته اگر این آمدن یک قانونی نمیشود حکم آنرا در گذشته هم اجرا کرد از این جهت بیشنهاد کردم آن جنسهای گذشته که مالیات را داده اند حقوق انحصار ازشان دریافت نشود رئیس - آقای عدل

رئیس - قبل از اینکه رای بگیریم به بیشنهاد

آفای دهستانی

دهستانی - استداد میکنم

رئیس - رای میگیریم بعده ششم چون عدد کافی نبود اخذ رای بعده ششم مانده حالا رای میگیریم آفایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . بیشنهاد آفای بروجردی رفیع - راجع بصورت مجلس هم رای گرفته نشد

رئیس - آن فوت نمیشود بعد هم میشود رای گرفت (بیشنهاد بروجردی این قسم قرائت شد)

جزء اخیر از ماده ۷ را باین قسم اصلاح میکنم .

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - بیشنهادات قرائت میشود (بیشنهاد آفای دهستانی این قسم قرائت شد)

بنده بیشنهاد میکنم در آخر ماده ۷ . طریق بعد از کلمه نموده باشد نوشته شود معاف خواهد بود و از کلمه فقط الی آخر ماده حذف گردد .

دهستانی - عرض بنده همان بود که آفای آفای سید یعقوب هم فرمودند . مطلب این است که ما یک قانونی وضع کردیم و مردم هم مطابق آن قانون عمل کردند ما باید طوری بیطریق قضاوت کنیم آنها اسباب زحمت مردم فراهم نشود رای اینکه اگر مالیاتیکه سابقاً پرداخته شده مطابق آفایان بیشتر از این قانون اسروز بود ما به التفاوت را مانها

آفای بروجردی آفایان موافقین قیام فرمایند (دویسه نفر قیام نمودند) رئیس - قابل نوجه نشد . بیشنهاد آفای وثوق قرائت می شود (این قسم خوانده شد) بنده بیشنهاد میکنم که در تبصره ماده ۷ اضافه شود جنس موجود در تاریخ تصویب این قانون باید هایه التفاوت را نادیه نماید . آفای سید مرتضی وثوق - عرض کنم که بنده این بیشنهاد را که کردم در تعقیب آن مذاکرات مقصودم این بود که آن سورتها ئی را که ادارات مالیه دارد از تجار از دری آن صورت مطالبه نکند آنچه موجود دارند ازشان مطالبه نکند و ماده این را نمی رسانند وزیر مالیه - عرض کنم که مالیه سورت خبیل دارد اما سورتها ئی مالیه که سندیت و قانونیت ندارد . چیزی که سندیت دارد قانون است قانون مصوب مجلس شورای ملی است قانون هم مینویسد موجود در تاریخ تصویب این قانون دیگر بنده نمی فهم آفای چطور می فرمایند ماده این را نمیرسانند ؟ از تاریخ تصویب این قانون یعنی چه ؟ یعنی سورتها هر چه راجع بوجودی نوتوں است تأثیر ندارد و هر چه در تاریخ تصویب قانون موجود است قانون آزا شامل میشود .

آفای سید مرتضی وثوق - مسترد کرد .

رئیس - موافقین با هاده هفتم قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده هشتم .

(این قسم قرائت شد)

مجازات مختلف از مفاد مواد (۱ و ۳) و قسم اول ماده ۴ این قانون و همچنین مجازات هر نوع فچاق که در موضوع دخانیات ارتکاب شود همان است که برای مرتكبین قاچاق مقرر است .

رئیس - آفای آفای سید یعقوب

آفای سید یعقوب - آفای وزیر مالیه کامل میحضرند که اخیراً

در صورتیکه توتوں سیگار موجود در تاریخ تصویب این قانون مالیات معمول پس از اجراء این قانون را نادیه نموده باشد حقوق انحصار دریافت نخواهد شد . بروجردی - دفعی که از این لایحه شد و اظهار این که آفای آفای سید یعقوب فرمودند و آفای بیانات دادند بنده را قانع نکرد . علت وضع این لایحه نسبت بگذشته که نیست علت این است آن عایدانی که سابقاً داشته و داده بجای خود باشد و از این بعده را مطابق این قانون بگیرند و دلیل ندارد که تجارت اینقدر هم مالیات ها به التفاوت را بدھند . یک مالیانی برای دخانیات وضع شده بوده است و مردم هم از آن قرار پرداخته اند و نمیشود گفت تقصیر برای آن کسی است که مالیات را پرداخته و جنس خودش را در اینبار نگاهداشته بافروش رفته و مانده است و امروز چون یک قانونی وضع شده دو مرتبه یک مالیاتی از صاحب مال بگیرند و این برای مردم اسباب خسارت میشود و بنده بیشنهاد کرد چون قانون نمیتواند در مقابل خودش اثر بگذارد و پس از آمدن یک قانونی نمیشود حکم آنرا در گذشته هم اجرا کرد از این جهت بیشنهاد کردم آن جنسهای گذشته که مالیات را داده اند حقوق انحصار ازشان دریافت نشود رئیس - آقای عدل

عدل - این قانون مالیات نیست . انحصار است . یک

مالیاتی گرفته شده باشد فرضآ امروز که دولت می خواهد انحصار بگند انحصار هر آن چیزی که حاضر است تعلق میگیرد آنچه که موجود است و فرق نمی کند . بعلاوه این مسئله را ازولایات هم انفاقانلگراف کرده اند تلکراف افانشان در کمپیون هم موجود است که مخصوصاً در آن تأکید کرده اند توتوں موجودی که مالیاتش را پرداخته است داخل در این انحصار باشد برای اینکه خبیل اشخاص احتکار کرده اند و دست سایرین خالی مانده است مخصوصاً تلکرافات داریم که توجه کیسیدون را جلب کرده است که باین اجناس موجود هم تعلق میگیرد .

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد

قانون شدیدی از برای قاچاق گذشت و خیلی هم بند. که یکی از اعضاء کمیسیون عدیه بود خیلی نایمنسله علاقه مند هستم ولی در این جا سه ماده است که میخواهیم قانون قاچاق شامل آنها شود.

ماده ۳ - مکلف کرده بود نجار و صاحبان توون را که ناواریخ شش ماه باشد جنس شان را وارد اداره انحصار بگذند و تحویل بدهند. خوب اگر آدمیم و شهاب نشد و هفته از ناریخ بر داشت محصول گذشت و آمد جنس را تحویل داد آنوقت با آن قانون قاچاق با آن شدت را در باره آن اجرا کنیم و دو سال او را حبس کنیم و چقدر جریمه؟ این خوبی است. بند عقیده ام این است که آقای وزیر مالیه توجه بفرمایند نسبت به قاچاق کردن هاده اول یعنی قاچاق کردن تنها او و توون که انحصار دولت است بند عرضی ندارم ز هر کس مکلف است تنبایه و توون خود را با اداره انحصار بفروشد اگر نفوخت محازات بشود. در ماده چهارم هم ملاحظه بعزمائید ماده چهارم که اصل المواد است و حقیقت این ماده اگر عملی و اجرا بشود ما میتوانیم جلوی قاچاق را بگیریم اگرچه ماده چهارم بعد اصلاح شد ولی عنوان این است که مکلف است جنس را از زارع میخرند بعزمائید ماده چهارم که اصل المواد است و حقیقت این ماده اگر کار برای این است که نظر ما بر این است که اصلاح خریدارانی هستند که میروند جنس را از زارع میخرند و نکاه میدارند برای نظریانی و نظر هاده این بوده است آن کسانی که میروند از زارع میخرند آنها مسؤول آوردن جنس بانبار دولت باشند قانون و ماده بشکل اولی که نوشته شده بود مثل این بود که مالکین اجناس دخانیه در هر حال باید اجسام خود را بانبار های دولتی تسلیم نمایند بعد نوشتم این کیست؟ جنس خود مقرری وارد بانبار شود اگر نشدم مسؤول این کیست؟ جنس خود بخود که وارد بانبار نمیشود. باید بکسی کسی جنس را وارد بانبار کند. ما نخواستیم زارع را مسؤول این کار قرار دهیم باینوسطه مطلب را بطور کلی نوشتم ولی بالاخره بکسی باید مسؤول این کار باشد و بکسی مسؤول این کار دخانیه را میگردید که باید در یک موعد مقرری وارد بانبار شود اگر نشدم مسؤول این کیست؟ جنس خود اینجا است) اگر در ظرف شهاب ندهد حکم قاچاقچی را دارد. خوب اگر آمد و هفته شد قاچاق است؟ باین که نمی شود گفت قاچاق کرده است. قاچاق کدام است؟ قاچاق آن است که باید مال دولت را و بفروشد اگر هشت ماه گذشت و آورد و بکسی جودی واقع شد فرس مادر و هم نشد که ما بکوئیم فرس آنوقت قاچاق کرد بحکم کلی و عمومی مشمول قانون قاچاق مادر و مستثنی است با مهلت باید قرار بدهیم که

هست ولی اگر خرید و فوجق نکرد و دبور از موعد مقرر آورد این را آقا بفرمایند قاچاق پنج حساب از دن و محازات شدید قاچاق را باو نخیل کردن خوب نبست اگر بفرمودند بای او چه محازانی لارم است ممکن بود درش بحث کنیم ولی اگر بخواهند بفرمایند که هیچ محازاتی باشی او لازم بودست دیگر قانون همچو قوت در عمل معنی پیدا نمیکند چون هر طایی که در قانون مقرر میشود تخلیق باشد محازات داشته باشد میخواهد این محازات پیش بینی شده در قانون قاچاق بشد میخواهد بکسی محازات مخصوص دیگری بشد بعید است اگر بخواهند فعلا داخل این بشویم که بکسی محازاتی مخصوصی برای این کارهاین کنیم شاید دچار اشکال بشویم از آن طرف آقا پیدا نتوان قانون این است که جنس باید در فلان مدت وارد اینبار شود اما آقا خوب در ظرف دارند اصل فلسفه این کار برای این است که نظر ما بر این است که اصلاح خریدارانی هستند که میروند جنس را از زارع میخرند و نکاه میدارند برای نظریانی و نظر هاده این بوده است آن کسانی که میروند از زارع میخرند آنها مسؤول آوردن جنس بانبار دولت باشند قانون و ماده بشکل اولی که نوشته شده بود مثل این بود که مالکین اجناس دخانیه در هر حال باید اجسام خود را بانبار های دولتی تسلیم نمایند بعد نوشتم این کیست؟ جنس خود اینجا است) اگر در ظرف شهاب ندهد حکم قاچاقچی را دارد. خوب اگر آمد و هفته شد قاچاق است؟ باین که نمی شود گفت قاچاق کرده است. قاچاق کدام است؟ قاچاق آن است که باید مال دولت را و بفروشد اگر هشت ماه گذشت و آورد و بکسی جودی واقع شد فرس مادر و هم نشد که ما بکوئیم فرس آنوقت قاچاق کرد بحکم کلی و عمومی مشمول قانون قاچاق مادر و مستثنی است با مهلت باید قرار بدهیم که

رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده هم نظرم همان بود که آقا آقسید بعقوب اظهار کردند و چون پیشنهاد خواهد شد فعلا عرضی ندارم دریس - آقای مؤبد احمدی

مؤبد احمدی - عرضی ندارم

رئیس - آقای شربعت زاده

شربعت زاده - بنده در قسم محازات متخلفین از این قانون نظریاتی دارم و تقاضا میکنم آقا وزیر مالیه نوجه بفرمایند. در اینجا بطور اطلاق متخلفین زماده ۱ و

میکنم برای اینکه تأخیر دو تسلیم در سر و وعد اگر
شش هاه نتوانست برساند و شش هاه و بیست روز رساند
با شش هاه و یهنج روز آن چند روز تأخیر فی حد افته
جز می نیست که شود آن جرم را بدرجۀ قچق رسازد
چکار بکنید ؟ برای این کار اندوه و فقط خواهم گرد در
موقع پیشنهاد ها تو فق نظر آقای مخبر را هم جلب آرد و
که ۳ را از اینجا بزداریم آنوقت آفاده بیک تصریح نمایم
و ای بدهند که با این تصریه را در همین ماده بگذرانم با
اگر همانع نظام منعه نداشته باشد بعد از رای گرفتن به ماده
برای خلف از ماده ۳ برای تأخیر در رساندن شرطی
که از حدود سدهم بالا خره بجاوز نکند بیک مجاز است بگیری
را فئل عیشه بزم از قبیل مثلا خذ صف قیمت هوت
جنس بطور جریمه آنوقت این عدله را میشود بیک تخلفی
کرده در مقام آن تخلف بیک جرم مخصوصی نداشته
و فئل عیشه به که مجاز است قچق که خبلی شدید است بزد
و لئن - قمی شربعت بزده

شروعت زاده - آنسته لالانی که آقای وزیر مالیه فرمودند
از این حیث ~~که~~ حائز جنبه مصالحتی است قبول
مالحظه است ولی وقتی ~~که~~ میخواهیم این مسئل
را تطبق کنیم با معنی مستفاد را یعنی مواد
انتقادی ای از بندۀ آرده وارد است. بنظر بندۀ بعضی از
این مسئل هست که هیچوچه نمیشود مخلصه شد گفین
و مجازی و حق از مجازات فاجعه مطبق قویت
وصویه رد جنس فحیق شده و تأذیه دو اور ضرورات
و حبس تأذیی است اگر یک اسی جنس خودش را در
از بندۀ با آنکه من این جنس را در این میخواهم
پیروشم با این دو میخواهم پیروشم این فحیق است
امتناع از جرایی قانون نکرده و ضروری هم متوجه خزانه
دولت نشده. بنابراین این بندۀ معتقدم اگر فقط نظر
اجراء قانون و برای حفظ یک نظریت و مقاصدی معتقد
یک مجاز نی باشند یک مجازات دیگری همانطور ~~که~~
خودشان فرمودند معین بگذرد. در موضوع ماده چهارم
هم بنظر بندۀ اشکالی که نمده کودم وارد است هیچ محل

اگر قانون احصار برقرار شد فانون احصار الزام میکند
فروش را بکی از آقایان در ضمن ظهار اشان فرمودند
شاید این را نگهدازد سال بعد بفروشد اولاً چرا ما فانون
احصار را اصلاً وضع کنیم چرا نگذریم جنس دخانیه
هم مثل يك چیز دیگر با اختیار خود ملک باشد هر
وقت بخواهد بفروشد هر وقت بخواهد بفروشد طبعاً
وقتی شما اصل احصار را تصدیق کردید و وارد شدید
روی این اصل که میائید برخلاف عادات جزیره زری
یک صالحی يك ازاماتی بفرموده میکنید لته احصار
بر خلاف آزادی است آزادی معناش این است که
بپیچکس به حق من به ملک من بمل لنجاره من کار
ندانته باشد من محصول خودم را هل لنجاره خودم را
هر جور دلم بخواهد معامله میکنم ولی وقتی شما
آمدید و ازام کردید که من باید ما مل لنجاره
محصول خودم وظیق يك مقررات مخصوصی رفتار کنیم
این مقررات لازمه شو این است که در همان سل
صورت اجرا در آید و همانطور که عرض کردم عمل
ها امروز اینطور است زری اینکه هر طبق جواز
عمل میکنیم و نه بر طبق جواز عمل میکنیم این مسئله
بیموقع است ولی قانون را وقتی مینویسیم باید کامل
اوشت و پیش بینی آن موقعاً نباید کرد بعقیده بنده
در این زمینه هم که لته قبل بحث است همانطور که
آقای شریعت زاده فرمودند ممکن است کفت بن رنکاب
را چرا برایش يك مجازات دیگری غیر از محض قرق
بطوزی که متناسب با این ارنکاب باشد ما پیش بینی
نکنیم این قبل بحث است ولی بعقیده بنده از این
ارنکاب را هاشدیدتر قرار دهیم اولاً نسبت به
این جریان قانون فائیرش بدشتر است بعلاوه
برای خود اشخاص هم بهتر است از برای اینکه
آنها بواسطه مجازات شدید احتراز میکنند از اینکه خودشان
را در مورد مجازات بگذارند اینجا بنده استفاده میکنم
بنده جواهئی که به آقای آقا سید یعقوب نسبت فاعل
قسمت عرض کردم عرض کنیم با انتظار اشان بنده موافق
نمایم

بعد بیانند و تقاضی صلاح گشته . وزیر مالیه - آفای شریعت زاده اعتراض فرمودند به اینکه ماده مجازاتی مشمول يك مائلي میشود که آنها قچق نیست این اعتراض ایشان نمکن است از دو جنبه بحث شود يكی این است که چرا يك موضوعی که فچاق نیست مکرر بجزء فچق میشود و يك صورت دیگر شهم بحث دارد که مجازات مقرر در مورد فچق برای يك چنین جرمی نمکن است سلطنه بخده در قسمت ولی اعتراض آق وارد نیست تا اینکه اگر پیدشهای اکتفا نمکنند فتوون خودش شخص مداده بود که مجاز آنها مقرر شده باشند این جرائم نمیشود اسلام این را پیدشهای امکنند قسمت آخر هاده ر ملاحته بفرموده بود هیگویسند مجازات متفاوت از مواد ۱ و ۴ و قسمت اول ماده ۴ این قانون و همچنان مجازات هر نوع فچقی که دره وضع دخاین ارتکاب شده همان است که برای مردمکنین فچق مقرر است . اگر پیدشهای اکتفا قانون مذکور این بود که آن مجازات شامل يك قیمت از ماده ۱ و ۳ و يك قسمت رسی ماده ۴ نمیشود این را طور ختصص ذکر نمیکرد همین قدر می گفت فچق اکتفا دخاین جز این همان است که در قانون فچق مقرر است پس خواسته است عمداً يك جرم برخلاف این قانون را که جنبه فچاقی معنای حقیقی ندارد بمحض يك ماده مخصوصی داشت این اهمیت را بدهد اگر در زیف فچاق قرارش بدهد و مشمول مجاز نهی سخت مقرر در قانون فاچاق بکشد . پس این بحث اصولی و بحث اولی در بن ماده وارد نیست زیرا تصریح گفته شده است که مجازات متفاوت از مواد ۱ و ۳ و قسمت اول هاده ن این قانون مشمول فلان و فلان است میخواهد این فچق داشد میخواهد اگر فی حد نفسه فاچاق بود محتاج باش توضیح و تصریح نمیشد . اما آمدیم سر قسمت ثانی که به بینیم آیه مجازات مقرر در قانون فاچاق برای فچاق در مورد ارتکاب يك حائله برخلاف مقدرات این قانون که فاچاق نیست

مذاکرات مجلس

قصد و منظوری ندارید ولی آن اشخاصی که قصد و غرض دارند این اظهارات شما را میگیرند و بک چیز هایی در خارج برایش درست میکنند و بک تغییراتی برایش قائل می شوند که برای منافع اقتصادی این مملکت مضر است. شما که اینقدر علاقه مند با اقتصادیات هستید نباید کلم کنید باین مسئله که در تمام دنیا مملکت شما را معرفی و بی چیز معرفی کنند. بر عکس امروزه وضعیت مالی همان از ازرگترین مالک دنیا نسبت بخودمان بهتر است. وقتی که نسبت و وضعیت ها را با دیگران بینجند ملاحظه میفرمایید که وضعیت مالی ایران امروزه در دنیا نظر ندارد (نمایندگان صحیح است) پس چرا ما باید سوء تفاهم تولید کنیم؟! اما در اصل موضوع که میفرمایید این اعتبار از کجا داده میشود معنی این اعتبار این است که دو میلیون را از یکجا ای برمیدارند و بایی بک کار معنی میدهند. بلکه معاشرین این است که این اعتبار باین مؤسسه داده میشود که هر وقت احتیاج پیدا کرد با تصویب این قانون تواند بگیرد و بعد هم پس بدهد. این بک خرجی نیست بلکه بک سرمایه است چنانچه در قانون انحصار تربک هم مطلب همینطور بود و همین ترتیب عمل شد همیشه مؤسسه انحصار تریاک صد هزار و دویست هزار نومان میگیرد تریاک میخرد و بعد میفرماید و قرضش را پس میدهد این حساب جاری است و چنانچه ملاحظه میفرمایید در بودجه هم در قسمت جمع و خراج هیچ بحساب زیاده زیرا خرج نیست و فقط بک اعتباری است که میدهند برای اینکه بک مؤسسه منافعی را بخرد و بعد هم پس بدهد. پس این هیچ اشکالی ندارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - رأی گرفته میشود بعده این مسئله نصیب میشود قیام فرمایند.

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم

(ابنطوط قرائت شد)

خواستم سابقه را عرض کنم.

رئیس - عرض میکنم مخبر خودشان باید جواب بدهند الزام و اجباری در کار نیست که از ایشان سوال بشود سکوت هم بک از زل های مخبر است در هر حال مان‌چارم برای تعقیب این مطلب فردارا هم جلسه بگنجم.

وزیر مالیه - باقی مواد ممکن است قرائت و مطرح فرمایند.

رئیس - ماده نهم قرائت میشود
(شرح ذیل خوانده شد)

ماده نهم - برای سرمایه مؤسسه انحصار دخالیات مجلس شورای ملی مبلغ دو میلیون تومان اعتبار به وزارت مالیه اعطای می شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اینجا میخواهم از آقای وزیر مالیه بک سوالی بکنم و عرض کنم پربروز ما هر چه داشتم رأی دادم. هشتاد میلیون ما به بودجه رأی دادم و بک مبلغی هم بده کار شدیم قروض دارم. حالا این دو میلیون اعتبار را از کجا میاورند. خوبست این مسئله را توضیح بدهند که بنده ملتنت شوم.

وزیر مالیه - بنده نمیدانم آقای فیروز آبادی این اطلاعاتی را که اینجا اظهار میفرمایند از چه منابعی تحصیل می کنند. کی خدمت ایشان عرض کرده که ما چیزی نداریم و قرض دارم. بنده خیلی تعجب دارم از این مسئله در اینجا اظهار این که میشود باید قائل شد که خارج بک نایبرانی دارد. این هشتماد کرور قرض که آقا اشاره میفرمایند همچو رقمی از کجا آوردید؟! بک قروضی بود که سالیان دراز است این مملکت دارد و همه ساله هم آرا می پردازد و نزدیک هم هست نام شود. این مسئله چه ربطی باین اظهار و باین وضعیت فعلی دارد؟!

بنده اینکه میفرمایند با این وضعیت فعلی که ما داریم قرض هم باوریم هیچ همچو چیزی نیست. بنده این مطلب را تکذیب میکنم. این اظهارات ممکن است بک سوء تفاسیر اینکه میفرمایند با این وضعیت فعلی که ما داریم قرض هم باوریم هیچ همچو چیزی نیست. آقای شریعت زاده هم پیشنهاد کننده بودند ممکن است باسوق مراجعت بفرمایند در هر حال بعد عقیده بنده سابقه مجلس این است و بنده هم

مذاکرات مجلس

قبول بفرمایند.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقای بک فوجه میشود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قبل توجه شد.

وزیر مالیه - بنده متوجه این پیشنهاد نشدم ناجه بعرض کنم و هیچکدام از آنها هم متنداش نشده تو پیشی خود این بات تقدیر دلی لازم است عرض کنم که بنده پیشنهاد ریشه این قانون را خراب میکنم. برای اینکه همین مصوبیت بک من دون و پنج من بکلی ریشه بن قانون را خراب میکنم و موجب فاقح میشود و وسائل کنترل میسر نیست و هیچ وجه هم قبل اصلاح نیست.

رئیس - بر فرض اینکه لظرف آقای وزیر مالیه هم قبل توجه شد طذا امروز نمیشود در آن بحث کرد خود ماده مراجعت میشود به کمیسیون.

وزیر مالیه - اجزء میفرمایند.

رئیس - بفرمایند

وزیر مالیه - اگر این طور است بنده عرضی ندارم

ولی در آخر وقت بنده نچشم تقاضا کنم که بنده

هر فردا تشکیل شود تا این خبر دور رتبه برگرد و مطرح

شود.

رئیس - آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اگر اجازه میفرمایند - بنده بک

راهی بنتظره مبرسند.

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - عرض میکنم مانع ندارد امروز مطرح

شود زیرا از مخبر موقی نشد.

این کار هم سابقه دارد

اگر نظر آقایان باشد در دوره پنجم نظیر این قضیده اتفاق

شدو رئیس از مخبر موقی نکرد بعد رای گرفتند آنوقت

خود و رئیس اظهار کردند که چون از عبار سوال نشده ازین

جهت دو باره مطرح میشود.

آقای شریعت زاده هم

پیشنهاد کننده بودند ممکن است باسوق مراجعت بفرمایند

در هر حال بعد عقیده بنده سابقه مجلس این است و بنده هم

تردد نیست و اگر دولت در نظر دارد که قانون دخاینی تحریم شود باید سعی کند که طرز اجرا طوری باشد که مقصود دولت ناهین شود بعلاوه هیچ تصور نیروز آن وقایی بک اشخاصی بخواهد از متعایی که عمل آورده اند استفاده کنند خرید و فروش برای آنها منوع دشده و بدون بک جهی بک نسیه هیگوید بک عمل اقتصادی بیان خروار جنس خوده را امروز نمیخواه بفرمایند.

چهارمین دیگر میخواه بفرمایند اگر قیام فرمایند صولا و بطبق بک دلایل مستحق بک مجاز است. در هرسورت خود آقای وزیر مالیه حضور شدند بک اصلاحاتی در این ماده و اگر صلاحات و پیشنهادی بخواهد بنده هو قم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادی از آقای فیروز آبادی درینه قرائت می شود.

(دین عضموں قرائت شد)

بنده بعنوان نبصره در آخر ماده ۸ پیشنهاد میکنم تبصره - اشخاصی که از محصول خودشان نا بک من نهیز توتوں و نسیه من تبریز تبا کو جهت مصرف خودشان داشته باشند معاف خواهند بود و از تعرض مصون هستند رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنچه این که دیدم دولت می دارد اسباب زحمت مردم فراهم شود خصوص اسباب زحمت رعایا این پیشنهاد را ازدم که اشخاصی که خودشان میکارند و عمل میآورند در مملکت تا بک من توتوں و نسیه من تبا کو اگرچه مصرف شخصی خودشان لازم داشته باشند کسی معارض آنها نشود و بی جهت اسباب زحمت مردم آنها فراهم نکند و هر روز بک نفر مأمور دولت به بهانه اینکه در فلان خانه بک من توتوں با دو من تبا کو قاچاق شده نزود در خانه مردم و اسباب زحمت شود باین ملاحظه بنده پیشنهاد کرده ام که اشخاصی که برای مصرف خودشان در هنارشان یکمن توتوں با سه من تبا کو دارند اینها از تعریض مصون باشند. کهان میکنم انشاء الله

بنده مورد ندارد. تخفیف کم کردن است از این جهت بنده نوشته ام عبارت تخفیف را بر دارند. کلمه قطعاً هم نمیخواهد.

وزیر مالیه - خوب است آقایان توجه بفرمایند که وقتی بیک قانونی که از مجلس گذشت و بیک مالیاتی را قانون مقرر کرد صاحبان آن جنس مکلف هستند مطابق آن قانون مالیات خودشان را پیردادند. فرض میکنم وزارت مالیه بک قسمتش را گرفته و بیک قسمتش را به آها استعماه کرده ولی اسراع که شاید قانونی میگذرد ایند اصلاحات را نباید از دست داد. این بیک قانونی است که در موقع خودش رسیدت دارد. مقصود این است که نسبت بآن مدلیت ساق بید تخفیف بدهند. چرا آن قانون بدان رفته است.

اعتماد - بنده استوردد میکنم رئیس - رأی میگیرم بهم دوام ده با تبدیل کلمه مجاز است به مکلف است که آقای مخبر و وزیر قبول فرمودند آقایان موافقین قیام فرمایند
(عده ذییری قیمه کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزده ۱۳
(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳ - وزارت مالیه مموز جرای بن قانون و نهیه نظامنامه آن است

رئیس - رأی میگیرم بین مده موافقین باین ماده قیده فرمایند
(اکثر قیمه نمودند)

رئیس - تصویب شد. دو فقره ماده احتجاجیه رسیده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده العاقیبه ذیل را پیشنهاد مینمایم.

ماده العاقیبه - درات باید از عایدات الخصار نون و سیگار شش نفر از شاگرد های گیلانی و هزار در ای را که دوره متوجه را تمام کرده باشند برای تحصیل فلاحت اعتبار میکنم

صاحبان آنها مسترد دارد.
رئیس - آقای مخبر فرمایند - قسمت اول را آقای مخبر قبول فرمودند در قسمت دوم هم همانی ندادند که قبول بفرمایند که اسناد تجار را باشان مسترد دارند که شهاب زحمت فراهم نشود.

وزیر مالیه - بنده نمیدام این علاقه مفترط باش اسناد از آنجا پیدا شده و از چه بابت است. این اسناد را به دولت از چه بابت داده اند فرض بفرمایند از بابت تفاوت مالیات توتویی که استعمال کرده است بیک سندی داده البته وقتی که این قانون از مجلس گذشت آن سند هرچه باشد باطل است و دیگر معنی ندارد. اگر اسناد معمولی باشد پس میدهد و اگر جزو آن اسنادی است که در اداره باید بشد پس نمیدهد ولی بر طبق این قانون حکم القاء آن را خواهد داد چنانچه اساساً این ترتیب معمول و مرسوم هم هست و در این مورد هم دولت همین کار را خواهد کرد و اشکالی ندارد ممکن است برای بک کار مخصوصی بک رژیم و قدره قبضی و قباضی که در مملکت معمول است بهم برآید.

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فرمایند. آقایان موافقین قیام فرمایند.
(چند نفری بر خاستند)

رئیس - تصویب نشد. آقای افسر افسر - نمده میخواهم عرض کنم اینکه مجلس رأی نمیدهنند برای این است که با اصل موضوع موافق نیست بلکه برای این است که محتاج نمیداند و قضیه را واضح میدانند.

رئیس - پیشنهاد آقای اعتبار
(بشرح آنی خوانده شد)

بنده اصلاح ذیل را باید دوازده پیشنهاد میکنم بجای قطعاً منظور دارد قطعاً صرف نظر نمایند کذاشته شود رئیس - آقای اعتبار اعتبار - این عبارت که در ماده نوشته شده به عقیده بارویا اعزام دارد محمود رضا

آقا سید بعقوب - بنده با آقای مخبر هم صحبت کردم و قرار شد که عوض کلمه مجاز (مکلف) نوشته شود آقای وزیر مالیه هم عرض ایند را تصدیق فرمودند کلمه «قطعاً» هم نمیخواهد وزارت مالیه مجاز است باید نوشته شود مکلف است .

وزیر مالیه - بنده قبول میکنم که بجای «مجاز است» مکلف است نوشته شود .

مخبر - بنده هم همینطور قبول میکنم رئیس - دیگر مخاطب نیست . (اظهار شد خیر) پیشنهاداتی رسیده قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۱۲ اضافه شود: و قبوضی که از بابت تخفیف و موقوف المطالبه قبل از این تاریخ از اشخاص گرفته اند با آنها مسترد بدارند . (بجد ضمایی)

رئیس - آقای مجید ضمایی - بن چیزی که در قانون نوشته شده است بابت زحمت مردم را فراهم میآوردد مقصود این است که اسباب زحمت مردم فراهم نشود. زیرا در طهران ممکن است تھت کنترل در باید ولی در خارج و سایر جاهای اسباب زحمت خواهد شد.

مخبر - بطوري که ملاحظه میفرمایند بیک قانونی است که در مجلس شورای ملی میگذرد فرضاً قبض هم باشد تأثیری ندارد وقتی که بن قانون گذشت البته قبوض گذشته را میدهند و حاجت بذکر نیست .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مجید ضمایی. آقایان موافقین قیام فرمایند.
(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای مخبر فرمایند.
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده دوازده بجای کلمه وزارت مالیه مجاز است نوشته شود وزارت مالیه مکلف است و در آخر ماده نیز اضافه شود و اسناد تجار را دولت به

بگوئید که آن ماده را که ما قطعاً تخفیف منظور میداریم این یک استثنای داشته ؟ این که استثنای نداشته است پس در لینصورت بندۀ نمی‌دانم کدام شق ناشی در اینجا ایجاد گردیده . این نظر آقا هیچ وارد نیست و بندۀ افهمیده ام رئیس - رأی میکیرم به پیشنهاد آقای فولادوند آقا بانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند .

(چندنفر بر خاستند)

رئیس - تصویب نشد . خبر کمیسیون قوانین مالیه نسبت به قسمتی که قابل توجه شده و مذاکره در کلیات و رأی قطعی می‌ماند برای بعد . اگر آقایان نصیم فرموده اند که صبح کارها و اتمام بفرمائید پس صبح فردا سه ساعت بظهور جلسه بشود .

بعضی از نایندگان - عصر خوبست جلسه شود رئیس - آقای عراقی

عراق - آقایان که میفرمایند عصر جلسه شود خواست بک قدری توجه بفرمایند بین قضیه که این لایحه باید برود به کمیسیون و از آنها دو باره را برتری به مجلس رگردد دولت هم باید مدافعت خودش را بکند امروز هم عصر آقایان گرفتاری دارند و الان هم متباور از نیمساعت از ظهر گذشته تا برویم نهاد بخوریم و برگردیم خودش محصر است . پس بجز این است که جلسه فردا صبح سه ساعت باظهور باشد ناکارها سیر طبیعی خودش را بکند هنچه جلسه را ادامه نمیدهیم و فقط این قانون را میکناریم رئیس - در نایند فرمایشات آقای عراقی لازم است عرض کنم که بر طبق متمم ماده ۲۳ نظام امامه داخلی این گونه اصلاحات را امروز تقدیم رای کرفت بنا بر این این قانون علی کل حال امروز مطرح نخواهد شد و اجراء میماند برای روز دیگر . بنا بر این جلسه فردا اجرای است بعضی از نایندگان - صحیح است .

رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف فرمایشی داشتید ؟ وزیر پست و تلگراف - لایحه ایست راجح باضافه اعتبار براي سيم کشي مسجد سليمان

رئیس - آقای رفیع ماد آوری فرموده اند که بصورت

ولی این کار جزو مخارج انتفاعی خود دولت است و به عقیده بندۀ همکنون است پیش از این مبلغ اعتبار برای این کار داده شود پیش از این لازم باشد و ما نباید حالا محدود کنیم باین مبلغ . این کار را نمایندۀ محترم باید با نظر خود دولت باقی بگذارند تا ما در ضمن تجربه در سال آینده و در بودجه سال آینه هر چه لازم باشد خرج کنیم و البته در حدود بودجه خودمان هر چه بتوانیم خرج میکنیم و امسال هم در حدود اعتباری که داریم مخارج میکنیم ناصری - منظور بندۀ نامین شد مسترد میداره رئیس - ماده الحاقیه دیگر .

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که دولت مکلف است در قسمت توتون و قبایل کوهائی که از سنتوات ماضیه برای برداخت مالیات در اینبارهای خود دارد و صاحبان آنها بواسطه نداشتن مشتری قادر به برداخت آنها نگردد و اند مطابق مقررات این قانون حق انحصار را دریافت و معمول دارند فولادوند

رئیس - آقای فولادوند - همان طوری که عرض کردم بک مقداری از تباکوها در اینبارهای دولت موجود است که بواسطه نداشتن مشتری و معادل با قیمت تکافو نگردد باین مانند و در این قانون در ماده دوازده می نویسد دولت مالیات هائی که بوجب انحصار قانون دخانیات ۱۳۰۵ بعنوان موقف المطالبگی - باقی کذشته آنها را تخفیف قرار میدهند حالا غرض این است که اگر مالیه هم با آنها همین معامله را می کند بندۀ پس میکیرم در این قسمت موافقت بفرمایند که اینها بک طوری بشود که کارشان تکافو بکند قیمت اصل خود تباکو با مالیات .

وزیر مالیه - عرض کنم بندۀ اصلاح مقصود آقای فولادوند و پیشنهاد شان را ملتافت نمیشوم برای این که اگر آقا میخواهند ما را مجبور کنند که انحصار را احتماً در آن قسمت عملی کنیم این صلاح نیست و اگر میخواهید

نیست و بندۀ خیلی متشکر میشوم اگر آقای محمود رضا پیشنهاد خودشان را مسترد بدارند و بعد هم خود بندۀ با نظر ایشان مساعدت خواهم کرد زیرا با اصل فکر موافقم محمود رضا - چون منظور بندۀ تأمین شد پس میکیرم .

رئیس - ماده الحاقیه دیگر پیشنهادی آقای عدل (باین عبارت خوانده شد)

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم . مؤسسه انحصار بعلاوه خربداری کلیه ادوات موجوده توتون بری که در ماده اول مذکور است مکلف است کلیه ادوات و ماشین های کاغذ بری و صرافی کاغذ سیکار را که اجازه تکاهداری و بکار اند احتن آنها را بکسی نداده با اجازه داده و بعد سلب نموده از صاحبان آنها بقیمت عادله خربداری نماید عدل .

وزیر مالیه - این توضیح تیخواهد .

رئیس - چون این قسمت را در نظر بود که در ماده که مربوط بقیمت اسپاب های توتون بری نوشته شده بک قسمت های فنی و فلاحی تخصیلات کند ولی مکرر این را در ضمن مطلب بعرض رسانده ام که با تجربه کردن و تخصیص دادن عوائد بخارج بندۀ موافق نیستم و این بک اصلی است که موافق صلاح و صرفه نیست آقایان در نظر دارند که بک اعتبار و قانونی که بک بودجه و اعتبار مهمی از مجلس تکشیت مبنی بر اینکه سالی چند نفر محصل بارو با فرستاده شود بندۀ کاملاً میکنند اگر هر سال بر آن بودجه بیفزاییم و عده بیشتری را بفرستیم . بندۀ با این نظر کاملاً موافق که وزارت معارف از این بعد که شاگرد میفرستد رعایت این قسمت را هم بکند بعف اشخاصی را که میفرستند مواظب باشد که در قسمت خودنات اطلاع دارند آنها را بفرستند مثلاً برای زداعت چای اگر از گیلان شاگرد فرستاده شود البته بهتر و مقدم است این نظر البته در مورد خودش باید مراعات شود ولی بعیده بندۀ توجهیاند این مسائل در مواد قانونی که هیچ دبطی نآت ندارد مناسب

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای ناصری (جمعی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای ناصری (بشرح ذیل خوانده شد)

بوزارت مالیه اجازه داده میشود سالی دوازده هزار تومن از محل اعتبار توتون برای زویج توتون ایران در بازارهای خارجه خرج نمایند .

رئیس - آقای ناصری

ناصری - یکی از نظریات دولت این است که محصول کلیه ایران را در خارجه بفروش رسانده و رواج دهد و این منظور هم البته حاصل نمیشود مگر با اعطای بک مبلغ اعتبار این جهت بندۀ این پیشنهاد را تقدیم کردم دوزیر مالیه - این نظر آقای ناصری کاملاً صحیح است

رئیس - آقای محمود رضا - او لا مقصود بندۀ از تقدیم این پیشنهاد رعایت جنبه محلی و احسانات ولایتی نبود بلکه چون گیلان و مازندران دو ایالت فلاحی و زراعی هستند و همه آقایان هم علاقه دارند شاید خود آقای وزیر مالیه هم در این عقیده باندۀ شریک باشند که با وضعیت امروزه فلاحت آن را اصول قدبیه زراءت و فلاحت میشود هیچ وقت فلاحت آن ترقی و رونقی که باید پیدا کند نمیکند والبته این وضعیت فعلی زراعت بایدصلاح شود درین موقع خیلی مناسب است که از گیلان و مازندران که دو ایالت فلاحتی است و اطلاع فلاحتی دارند با رای دادن این قنوت اقل شش نفر از آنها را در سال بارو با اعزام دارند که اصول امروزه فلاحت را باد بگیرند

وزیر مالیه - بندۀ این نظر نماینده محترم را تصدیق میکنم و کاملاً موافق هم وسیله که هست بک اشخاصی را همه ساله از محصلین خودمان بازو با بفرستیم نا در بک قسمت های فنی و فلاحی تخصیلات کند ولی مکرر این را در ضمن مطلب بعرض رسانده ام که با تجربه کردن و تخصیص دادن عوائد بخارج بندۀ موافق نیستم و این بک اصلی است که موافق صلاح و صرفه نیست آقایان در نظر دارند که بک اعتبار و قانونی که بک بودجه و اعتبار مهمی از مجلس تکشیت مبنی بر اینکه سالی چند نفر محصل بارو با فرستاده شود بندۀ کاملاً میکنند اگر هر سال بر آن بودجه بیفزاییم و عده بیشتری را بفرستیم . بندۀ با این نظر کاملاً موافق که وزارت معارف از این بعد که شاگرد میفرستد رعایت این قسمت را هم بکند بعف اشخاصی را که میفرستند مواظب باشد که در قسمت خودنات اطلاع دارند آنها را بفرستند مثلاً برای زداعت چای اگر از گیلان شاگرد فرستاده شود البته بهتر و مقدم است این نظر البته در مورد خودش باید مراعات شود ولی بعیده بندۀ توجهیاند این مسائل در مواد قانونی که هیچ دبطی نآت ندارد مناسب

مجلس رأی گرفته شود برای خاطر اینکه آنوقتی که صورت خواهم کرد حالا باید رأی بگیریم آقابان موافقین با صحت جلسه را قرائت کردند عده برای گرفتن رأی کافی نبود صورت مجلس قیام فرمایند.
 عده بحد نصاب نبود و نتوانستیم رأی بگیریم اعلاوه اعتراضی (عده زیادی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . جلسه فردا سه ساعت قبل از هم از طرف آقای ضیاء شده بود که در آنوقت گفته نشده بود و حالا به بنده باد آوری کردند که در هر حال رعایت ظهر دستور قیمه این لایحه ولایحه حقوق منتظمن خدمت

(مجلس نیمساعت از ظهر گذشته ختم شد)